

## ارزیابی دوگانگی رسم الخط ادوات «إنما، أنما، کُلّ ما و این ما» و بازتاب آن در ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم

کاووس روحی برندق<sup>۱</sup>، مصیب مرزبانی<sup>۲\*</sup>، محسن فریادرس<sup>۳</sup>

۱- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

k.roohi@modares.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد علوم قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم کرمانشاه و مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد - سنندج، سنندج، ایران

mmarzbani2@gmail.com

۳- کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

m.faryadres@modares.ac.ir

### چکیده

یکی از مسائل مشکل‌زا در ترجمه و تفسیر قرآن، توجه به رسم الخط خاص برخی از واژگانی است که در نگارش به دو شکل گوناگون نوشته شده‌اند و برداشت‌های معنایی متفاوت را فراهم آورده‌اند. در این راستا در مقاله حاضر کوشش شده است تا با روش توصیفی تحلیلی دوگانگی رسم الخط ادوات «إنما، أنما، کُلّ ما و این ما» در آیاتی مشخص و با تکیه بر قواعد زبان و ادبیات عرب و تفاسیر تجزیه و تحلیل شود، سپس با معادل‌یابی آنها ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن و اکاوی و ارزیابی شود. در نهایت به این نتیجه رسیده‌ایم که بعضی از مترجمان از یک‌سو در پاره‌ای از مواضع به تفاوت رسم الخطی این ادوات بی‌اعتنا بوده و با انگاشت‌هایی متنوع معادل‌های ناصوابی را در برگردان این ادوات اظهار داشته‌اند و از سوی دیگر، بعضی نیز با درج معنای مناسب متوجه تفاوت رسم الخطی این ادوات بوده‌اند. در نهایت اینکه هرچند عمده اشکالات مترجمان در وهله نخست، مربوط به توجه نکردن به رسم الخط اصیل این واژگان است، بعد از آن، مشکل اساسی مربوط به ضعف تشخیص مترجم در ساختارهای صرفی و نحوی زبان مبدأ و به تبع آن گزینش نامناسب معنا در زبان مقصد است. در هر حال تقریباً «رضایی» در برگرداندن ادوات «إنما، أنما، کُلّ ما و این ما» از دیگر مترجمان دقیق‌تر عمل کرده است.

### واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، رسم الخط مصحف، دوگانگی رسم الخط ادوات، ترجمه‌های معاصر.

## ۱- مقدمه

قرآن‌پژوهان از دیرباز رسم‌الخط قرآن را بررسی کرده‌اند. به اعتقاد بیشتر آنها مشهورترین و رایج‌ترین رسم‌الخط قرآن همان رسم‌الخط اصیل [مشهور به رسم‌المصحف یا رسم عثمانی] است که بسیاری از لغویان نیز بر موقوث بودن آن تأکید کرده و برای توجیه قواعد و ضوابط آن کوشش‌هایی را انجام داده‌اند (پاکتچی، ۱۳۹۴، ص ۲۱). رسم‌المصحف همان نگارش خاص کلمات قرآنی با اسلوب و قواعدی متمایز از رسم‌الخط عربی معمول است (تفکری، ۱۳۸۵، ص ۷۶). درحقیقت رسم‌الخط عربی معمول تفاوت فراوانی با رسم‌الخط عربی متقدم دارد؛ ازاین‌رو رسم‌الخط اصیل قرآن بی‌شک همان «رسم‌الخط عربی متقدم» است و باید در بررسی‌ها معیار قرار گیرد (پاکتچی، ۱۳۹۴، ص ۲۰-۲۱).

درواقع این تفاوت‌ها سبب شده است تا قرآن‌پژوهان عمدتاً دو دلیل را دربارهٔ اصالت رسم‌الخط عربی متقدم ذکر کنند: ۱- براساس سنگ‌نوشته‌ها و خطوط به‌جای‌مانده از زمان قبل از پیامبر(ص) رسم‌الخط عربی متقدم درگیر سنت‌ها و چارچوب‌های املائی بوده است (پاکتچی، ۱۳۹۴، ص ۱۹). به‌نحوی که کاتبان وحی با وام‌گرفتن از خطوط مرسوم آن زمان -نظیر سریانی و...- قرآن را مکتوب کرده‌اند و همین سبب شد تا در میان برخی واژگان قرآن تفاوت رسم‌الخطی به وجود آید؛ زیرا این نوع نگارش مرسوم آن زمان بوده و در آثار و سنگ‌نوشته‌های به‌جای‌مانده از دوران قبل از اسلام مشهود است (ر.ک: قدوری‌الحمد، ۱۳۸۶، صص ۳۴-۴۱)؛ ۲- گروهی دیگر از اندیشمندان این تفاوت‌ها را از اغلاط املائی کاتبان وحی ناشی پنداشته و راه

علاج آن را تغییر رسم‌الخط قرآن برمی‌شمارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۵۵). باوجوداین گروهی دیگر از عالمان قرآنی همچون علامه حسن‌زاده آملی و مرحوم مصطفی خمینی استفاده از رسم‌الخط دیگری -به‌جزء رسم‌المصحف- برای قرآن را راهی برای دستبرد و فراهم‌آوردن مقدمات تحریف قرآن دانسته و بر جایز نبودن تغییر آن نظر داشته‌اند (جوان‌آراسته، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۷۷؛ خمینی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۴۵۳).

درحال مطالعه کتب مختلف نشان‌دهندهٔ آن است که برخی بر توقیفی بودن (من عبدالله بودن) رسم‌المصحف (دانی، ۱۹۷۸، ص ۱۰؛ سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۱۶۸؛ کردی، ۱۳۶۵، ص ۱۶۲؛ کبری‌زاده، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۷۲) و گروهی نیز -بنا بر ادله و اجتهاد کاتبان وحی- به اجتهادی بودن آن نظر داده‌اند (ابن‌خلدون، ۱۹۵۷، ص ۸۴۳؛ باقلانی، ۱۴۲۲، ص ۵۴۷ - ۵۴۸؛ صبحی‌صالح، ۱۳۶۸، ص ۲۷۷ - ۲۷۸؛ معرفت، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶۵ تا ۴۰۲؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

گذشته از این آراء متفاوت در بیان چگونگی ماهیت و اصالت رسم‌المصحف مهم‌ترین مسئله آن است که برخی ادوات مانند «إنما، أنما، کُلَّ ما و اینَ ما» با دو رسم‌الخط متفاوت [إنما (≠ إنَما)، أنما (≠ أنَما)، کُلَّ ما (≠ کُلِّما) و اینَ ما (≠ اینَما)] نگاشته‌اند که سبب برداشت‌های معنایی غلط از این حروف شده است. درواقع هدف اصلی این پژوهش نیز بازتاب تفاوت‌های رسم‌الخطی همین ادوات در ترجمه‌های «شعرانی و معزی، آیتی، رضایی، صفارزاده، صفوی، فولادوند، مکارم و فیض‌الاسلام» است. گفتنی است علت‌گزینش این ترجمه‌ها ازیک‌سو، معاصر بودن و ازسوی دیگر، مشتمل بودن بر انواع روش‌های ترجمه

همواره یکی از مسائل بسیار مهم در انتقال علوم از زبانی به زبانی دیگر مسئله «دقت در ترجمه» است. اهمیت این مسئله نسبت به دیگر امور از آنجا ناشی می‌شود که ترجمه صرفاً به انتقال معنا از زبان مبدأ به مقصد محدود نمی‌شود؛ بلکه کسب آگاهی کامل بر هر دو زبان، توجه دقیق به موضوع و متن و نیز نوع نگارش از مؤلفه‌های دیگر ترجمه است؛ اما رعایت این وجه در قرآن کریم به مراتب بیشتر و با اهمیت‌تر است. حساسیت قرآن از آنجا ناشی می‌شود که از منبعی برتر از ماده نشأت گرفته است و منبعی برای هدایت بشر در تمام اعصار است. بررسی ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی نشان‌دهنده آن است که در انتقال معنا در این ترجمه‌ها با وجود نقاط مثبت نقاط ضعف فراوانی نیز وجود دارد (روحی‌برندق و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰). یکی از نمونه‌های کاستی ترجمه‌ها در معادل‌یابی چهار حرف «إنما، أنما، کُلّ ما و این ما» مشاهده می‌شود که در مواضعی - بنا بر اشتباه کاتب قرآن و براساس نظریه وجود غلط‌های املائی در رسم الخط قرآن (معرفت، بی‌تا، ص ۳۸۲) و یا براساس قواعد نوشتاری آن دوران که کاتب قرآن مجاز به نگارش دوگونه رسم الخط برخی واژگان بود (قدوری الحمد، ۱۳۸۶، ص ۳۴-۴۱) - با دو شکل نوشتاری متصل و منفصل در قرآن به کار رفته‌اند؛ از این رو با عنایت به اینکه این دو نوع نگارش متصل و منفصل حامل دو معنای متنوع هستند، ابتدا این گروه از حروف در تفاسیر بررسی شد و سپس با بهره‌گیری از منابع مرتبط ترجمه‌های معاصر قرآن در برگردان این واژگان نقد و بررسی شد.

-تحت‌اللفظی<sup>۱</sup>، آزاد و تفسیری- است. از آنجا که برای تحلیل و سنجش عملکرد ترجمه‌ها استفاده از تفاسیر قرآن -منبع اساسی در فهم آیات و معانی آنها- امری بدیهی و ضروری است. در جستار حاضر سعی شده است تا از تفاسیر مختلف و حتی‌الإمكان معتبر، مشهور و راهگشا -که در آنها روش‌های مختلف تفسیری همچون جامع، ادبی‌بلاغی و... نیز وجود داشته باشد- استفاده شود.

گفتنی است گرچه از دیرباز تاکنون با نگرش‌های متفاوت به مسئله رسم الخط ویژه قرآن کریم در تفاسیر، منابع کهن و معاصر علوم قرآنی<sup>۲</sup> و در کتب رسم الخطی<sup>۳</sup> اشاراتی شده است، پژوهشی در دسترس نیست که با شیوه حاضر تفاوت معنایی ادوات دارای رسم الخط مختلف را -که سبب برداشت معنایی ناصحیح شده- ارزیابی و بررسی کرده و سپس براساس آن، ترجمه‌های معاصر قرآن کریم را واکاوی کرده باشد؛ بنابراین مهم‌ترین پرسش‌های مطرح‌شده در این پژوهش عبارت‌اند از:

۱- مسئله دوگانگی رسم الخط واژگان تا چه میزان صحت داشته است. در صورت پاسخ مثبت انگاشت مخاطب در فهم معنا را تا چه میزان تغییر می‌دهد.

۲- با توجه به رسم الخط متفاوت ادوات مدّنظر مترجمان قرآن که متخصصان حوزه انتقال معنای زبانی هستند، تا چه میزان در انتقال معنای این گروه از واژگان موفق بوده‌اند.

۲- دوگانگی رسم الخط ادوات در تفاسیر و

ترجمه‌ها

## ۲-۱- «إِنَّمَا» در تفاسیر

واژه «إِنَّمَا» در چهار آیه (إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لِّكُمْ) (نحل: ۹۵)، (إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدًا سَاحِرًا) (طه: ۶۹)، (إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ) (ذاریات: ۵) و (إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ) (مرسلات: ۷) با رسم‌الخط متصل نوشته شده است که این امر دلالت روشنی بر کافه‌بودن «ما» و حصری‌بودن «إِنَّمَا» دارد (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۴۹؛ حسینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۹۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۱۹).

در ارزیابی این مسئله باید توجه داشت زمانی واژه «إِنَّمَا» در رسم‌الخط به صورت متصل می‌آید که جمله بعد از خود را محصور کند، مانند آیه (قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُ الْهَکُّمِ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ) (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۳۹؛ ابن‌هشام، ۱۴۳۳، ص ۸۶). براین اساس اگر در آیات فوق جملات بعد از «إِنَّمَا» افاده حصر کند، رسم‌الخط آن متصل و در غیر این صورت رسم‌الخط آن به صورت منفصل است.

بررسی جملات بعد از «إِنَّمَا» در دو آیه (إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لِّكُمْ) (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۱۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۳۹) و (إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدًا سَاحِرًا) (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۵۴۰؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۸۹) حاکی از تعلیلی‌بودن است که واضح است، هیچ‌گونه ارتباطی با حصر ندارد.

همچنین جمله بعد از «إِنَّمَا» در دو آیه (إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ) و (إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ) (مرسلات: ۷) نیز نشان‌دهنده این است که جواب قسم هستند (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۸۰؛ ج ۱۰، ص ۲۲۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۵؛ ج ۱۵، ص ۱۹۱؛ صافی، ۱۴۱۸، ج ۲۶، ص ۳۲۴؛ ج ۲۹، ص ۱۹۸). بنابراین رسم‌الخط

«إِنَّمَا» در آن آیات منفصل به صورت «إِن + ما» است؛ زیرا جدای از آنچه ذکر شد، هرگاه «ما» اسم «إِن» باشد، طبیعتاً باید منفصل نوشته شود، هرچند در رسم‌الخط قرآن با ویژگی‌های مخصوص کتابت، متصل نوشته شده باشد. از این رو برخی از مفسران نیز به صحیح‌نبودن رسم‌الخط «إِنَّمَا» در آیات فوق اشاره داشته و معتقدند که این حرف در آن آیات باید به صورت منفصل نوشته می‌شد (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۴۶؛ حقی‌بروسوی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۸۲؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۴۹؛ مغنیه، بی‌تا، ص ۴۱۱؛ ج ۲۹، ص ۳۹۱؛ کریمی‌حسینی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۶). با وجود این اتفاق نظر درباره نوع «ما» در آن آیات دو نظر زیر وجود دارد:

الف) «ما» در «إِنَّمَا» موصوله است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۸، ص ۹۱؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۳۷۵؛ کاشفی‌سبزواری، ۱۳۶۹، ص ۵۹۸؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶، ص ۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۱۹۱؛ ج ۲۰، ص ۱۴۷؛ حقی‌بروسوی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۴۹؛ ابن‌جزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۰؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۸؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۴۹؛ درویش، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۶۱؛ ج ۱۰، ص ۳۳۳؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۲۷۶؛ ج ۸، ص ۲۹۴؛ صافی، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ص ۳۸۲؛ ج ۱۶، ص ۳۸۹؛ ج ۲۶، ص ۳۲۳؛ ج ۲۹، ص ۱۹۸؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۵۷۶؛ ج ۵، ص ۳۶۱؛ دعاس، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۲۶۴؛ ج ۲۰، ص ۱۰۰؛ صالح، ۱۹۹۸، ج ۱۲، ص ۲۹۲؛ کریمی حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۸؛ جوادی‌آملی، ۱۳۹۲، ج ۲۹، ص ۶۵۵).

ب) موصولی و مصدری‌بودن «ما» در «إِنَّمَا» جایز است (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۱۶۲؛ ابوحیان، ۱۴۲۰،

معادل «همانا» مناسب‌تر است؛ زیرا هم فارسی و به روز بوده و هم از تأکید روشنی در مقایسه با دیگر معانی برخوردار است.

۳- «ما» موصول نیز با معانی «که، آنچه، چیزی که، هرآنچه که» (آذرنوش، ۱۳۹۱، ص ۹۹۵) هرچند در این معادل «آنچه» به دلیل روانی و اشتغال روشن بر مقصود کلیتی «ما»ی موصول راجح‌تر است.

با توجه به مطالب ازپیش‌گفته و معانی فوق معادل «همانا آنچه» برای ترکیب «إِنَّ» تأکید و «ما»ی موصول در چهار آیه بحث‌شده پیشنهاد می‌شود.

**الف) «إِنَّمَا» در آیه (إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ)**

ترجمه‌های فارسی معاصر در ترجمه «إِنَّمَا» به‌صورت زیر عمل کرده‌اند:

**شعرانی:** به‌درستی که آنچه نزد خدا است، بهتر است.

**معزّی:** همانا آنچه نزد خدا است، بهتر است برای شما.

**آیتی:** زیرا اگر بدانید، آنچه در نزد خداست، برایتان بهتر است.

**رضایی:** درحقیقت آنچه نزد خداست، آن برای شما بهتر است.

**صفارزاده:** زیرا آنچه از نیکی و سعادت نزد خداوند است، برای شما خیلی بهتر است.

**صفوی:** قطعاً آنچه نزد خداست - اگر بدانید - برای شما بهتر از مال و منال دنیاست.

**فولادوند:** زیرا آنچه نزد خداست - اگر بدانید - همان برای شما بهتر است.

**مکارم:** آنچه نزد خداست، برای شما بهتر است.

ج ۹، ص ۵۴۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۱۴۶؛ فیضی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۴۳۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۴۰۹؛ مظهری، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۷۹؛ قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۳۵؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۴۹؛ درویش، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۲۱۳؛ ج ۹، ص ۳۰۳).

در نتیجه هرچند «ما»ی موجود در اولین آیه «موصوله» و در سه آیه پایانی «موصوله یا مصدریه» است؛ اما با توجه به معنا و تأمل در آیات بحث‌شده موصوله‌بودن بهتر است.

۲-۱-۱- ارزیابی «إِنَّمَا» در ترجمه‌های معاصر قرآن قبل از بررسی و ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر از «إِنَّمَا» در آیات فوق تذکر نکات زیر برای اطناب‌نویشتن در بررسی ترجمه‌ها ضروری است. از این‌رو بعد از تبیین آنها در ادامه تنها به واکاوی ترجمه‌ها برای صحت یا ضعف اشاره خواهد شد و حتی‌الامکان از توضیحات اضافه خودداری خواهد شد:

۱- «إِنَّمَا» نشان‌دهنده حصر است و با معانی «فقط» (مکارم، ۱۳۸۸، ص ۱۹) «اما، ولی، فقط، اگرچه، هرچند، بلکه» (آذرنوش، ۱۳۹۱، ص ۲۹) به کار می‌رود. روشن است که معنای «فقط» نسبت به دیگر معانی بیشتر بر معنای انحصار دلالت دارد. در واقع معادل‌هایی «جز این نیست، تنها و...» نیز که اشاره روشنی بر حصر دارند، نیز در این جایگاه قرار می‌گیرند.

۲- «إِنَّ» حرف تأکید و به معنای «به‌راستی و همانا» است (همان). در این راستا هرچند روشن است که کلماتی نظیر «به‌درستی، درحقیقت، محققاً و قطعاً» نیز در فارسی بر تأکید دلالت دارد؛ اما از این بین

**فولادوند:** درحقیقت آنچه سرهم‌بندی کرده‌اند، افسونِ افسونگر است.

**مکارم:** آنچه ساخته‌اند، تنها مکر ساحر است.

**فیض‌الإسلام:** محققاً آنچه ایشان ساخته‌اند، از مکر و نیرنگِ جادوگر است.

در بررسی ترجمه‌های فوق باید گفت که وضعیت ترجمه‌ها در اینجا به مراتب ضعیف‌تر است؛ زیرا «آیتی» با ترجمه‌نکردن و «صفارزاده» با ترجمه تعلیلی‌حصری معنایی کاملاً اشتباه ارائه داده‌اند. همچنین ترجمه‌های «معزی، مکارم و صفوی» نیز ناقص هستند؛ زیرا از یک سو مکارم تنها به معادل «ما»ی موصول به صورت صحیح اشاره داشته و از سوی دیگر صفوی و معزی در کنار معنای صحیح «ما» حرف «إن» را به صورت اشتباه [تعلیلی یا حصری ربطی] انعکاس داده است. باید گفت که برخی دیگر نظیر «شعرانی، رضایی، فولادوند و فیض‌الإسلام» معادل صحیحی را در ترجمه خود بازتاب داده‌اند؛ زیرا حرف تأکید و موصول را به درستی معادل‌یابی کرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی مناسب از آیه فوق عبارت است از:

همانا آنچه آنان ساخته‌اند، ترفند جادوگر است.

**(ج) «إِنَّمَا» در آیه (إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ)**

حاصل بررسی ترجمه‌های فارسی معاصر از واژه فوق به شرح ذیل است:

**شعرانی:** که به درستی که آنچه وعده داده می‌شوید، هرآینه راستست.

**معزی:** که آنچه وعده داده شوید، همانا راست است.

**فیض‌الإسلام:** محققاً آنچه (ثواب و پاداش بر وفاء به عهد که) نزد خدا است، برای شما بهتر است.

در ارزیابی ترجمه‌های فوق ذکرشدنی است، هرچند تمامی مترجمان معنای «ما» را به طور صحیح [آنچه] در ترجمه خود بازتاب داده‌اند؛ اما در ارائه معنای حرف تأکید «إن» مختلف عمل شده است:

- برخی نظیر شعرانی، معزی، رضایی، صفوی و فیض‌الإسلام معنایی صحیح ارائه داده‌اند.

- برخی دیگر نظیر مکارم با «ترجمه‌نکردن»، آیتی، صفارزاده و فولادوند با رویکرد تعلیلی به معنای «إن» اشاره داشته‌اند که اشتباه است.

از این رو برای «إنما» در آیه فوق ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود:

همانا آنچه نزد خداست، برای شما بهتر است.

**(ب) «إِنَّمَا» در آیه (إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ)**

ترجمه‌های فارسی معاصر ترجمه کلمه «إنما» را به صورت زیر در ترجمه خود بازتاب داده‌اند:

**شعرانی:** به درستی که آنچه را ساخته‌اند، حيله ساحر است.

**معزی:** جز این نیست که آنچه ساختند، افسون جادوگری است.

**آیتی:** آنان حيله جادوان ساخته‌اند.

**رضایی:** درحقیقت آنچه را با زیرکی ساخته‌اند، نیرنگ جادوگر است.

**صفارزاده:** که این عملیات جعلی جز حاصل شعبده‌بازی جادوگران چیزی دیگر نیست.

**صفوی:** زیرا آنچه آنان ساخته‌اند، ترفند جادوگر است.

برگردان‌های فارسی معاصر از واژه «أَلَمْ» به شرح ذیل است:

**شعرانی:** که آنچه وعده کرده می‌شوید، هرآینه به وقوع آینده است.

**معزی:** که آنچه وعده داده شوید، فرود آینده است.

**آیتی:** که آنچه به شما وعده داده شود، واقع خواهد شد.

**رضایی:** قطعاً آنچه بدان وعده داده می‌شوید، واقع شدنی است.

**صفارزاده:** سوگند به تمام این سوگندها که آنچه به شما درباره قیامت وعده داده شده است، همه واقع خواهد شد.

**صفوی:** به اینها سوگند که آنچه به شما وعده داده می‌شود (رستاخیز و جزا و پاداش) قطعاً تحقق خواهد یافت.

**فولادوند:** که آنچه وعده یافته‌اید، قطعاً رخ خواهد داد.

**مکارم:** که آنچه به شما (درباره قیامت) وعده داده می‌شود، یقیناً واقع شدنی است!

**فیض‌الإسلام:** (سوگند به این فرشتگان، ای مردم) جز این نیست آنچه (قیامت و رستاخیز که به زبان پیغمبر اکرم به آن) وعده داده می‌شوید، هرآینه واقع شود و روی آورد.

گفتنی است در سنجش ترجمه‌های یاد شده، تنها «رضایی» در ترجمه حرف تأکید موفق عمل کرده است. حال آنکه دیگر مترجمان با معنای ربطی یا حصری معادلی نامناسب برای آن ارائه داده‌اند. باید گفت که معنای «ما» در تمامی ترجمه‌ها به صورت صحیح منعکس شده است.

**آیتی:** که آنچه شما را وعده می‌دهند، راست است.

**رضایی:** قطعاً آنچه (بدان) وعده داده می‌شوید، راست است.

**صفارزاده:** [سوگند به همه اینکه سوگندها] همانا تمام وعده‌هایی که به شما مردم داده شده، راست است.

**صفوی:** سوگند به همه اینها که آنچه به شما وعده داده می‌شود، راست است.

**فولادوند:** که آنچه وعده داده شده‌اید، راست است.

**مکارم:** (آری سوگند به همه اینها) که آنچه به شما وعده شده، قطعاً راست است.

**فیض‌الإسلام:** جز اینکه نیست که آنچه (از ثواب و پاداش و عقاب و کیفر در روز قیامت که) وعده داده می‌شوید، هرآینه راست است (شک و دودلی در آن راه ندارد).

در ارزیابی ترجمه‌های فوق باید گفت که گرچه تمامی مترجمان به صورت صحیح به معنای «ما» اشاره داشته‌اند؛ اما «معزی»، آیتی، صفوی، فولادوند و مکارم» حرف تأکید «إِنَّ» را به صورت ربط و «فیض‌الإسلام» آن را به صورت حصری ربطی معادل‌یابی کرده‌اند که با توجه به دلایل ذکرشده در دو صفحه قبل اشتباه است.

از این رو برای آیه فوق ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود:

[سوگند به همه اینها] همانا آنچه به شما وعده داده می‌شود، به درستی صادق است.

(د) ترجمه «إِنَّمَا» در آیه (إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِع)

درهرحال برای آیه فوق ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود:

[سوگند به همه اینها] همانا آنچه به شما وعده داده می‌شود، به درستی واقع شدنی است.

## ۲-۲- «أَنَّمَا» در تفاسیر

این واژه در شش آیه (وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُتَمَلَّى لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ) (آل عمران: ۱۷۸)، (وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ) (انفال: ۴۱)، (أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ) (رعد: ۱۹)، (أَيَحْسِبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنٍ) (مؤمنون: ۵۵)، (وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ) (لقمان: ۲۷) و (لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَكَ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ) (غافر: ۴۳) با رسم‌الخط متصل نوشته شده است که دلالت بر کافه بودن «ما» دارد (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۹۱؛ حسینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۹۹؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۱۹). با بررسی تفاسیر نتایجی غیر از کافه‌بودن در آنها به دست می‌آید که در واقع وجود رسم‌الخطی استثنایی و غیرمتداول را برای این واژه در آیات فوق تأیید می‌کند:

الف) «ما» موجود در آیات ۴۱ انفال، ۱۹ رعد، ۵۵ مؤمنون، ۲۷ لقمان و ۴۳ غافر به اجماع اکثر مفسران «موصوله» است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص ۲۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۲۱؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۴۸۴؛ کاشفی‌سبزواری، ۱۳۶۹، ص ۹۱۶؛ ص ۱۰۵۷؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۴، ص ۲۰۰؛ ج ۷، ص ۲۱۸؛ ج ۸، ص ۱۴۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۰۰؛ ج ۹، ص ۲۴۳؛ حقی‌بروسوی، بی‌تا؛ ج ۶، ص ۸۹؛ عکبری، بی‌تا، ص ۲۷۶؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۴۷؛ نحاس، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۹۸؛ ج ۳، ص ۸۲؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۳۶۷؛ ج ۹، ص ۱۴۷؛

ج ۱۰، ص ۳۶۷؛ ج ۱۱، ص ۳۱۳؛ صافی، ۱۴۱۸، ج ۱۳، ص ۱۱۸؛ ج ۱۸، ص ۱۸۷؛ دعاس، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۴۲۹؛ ج ۲، ص ۳۳۲؛ ج ۳، ص ۳۱؛ کریمی‌حسینی، ۱۳۸۲، ص ۳۴۵؛ ص ۴۱۳). هرچند برخی از مفسران نیز به صحیح‌نبودن رسم‌الخط متصل «أَنَّمَا» در این آیات اشاره کرده‌اند (حقی‌بروسوی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۴۷؛ درویش، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۶).

ب) درباره «ما» موجود در آیه ۱۸۷ آل عمران چهار نظر وجود دارد که عبارت است از:

۱- موصوله (کریمی‌حویزی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۱۵۷؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۹۱؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۰۹؛ صافی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۸۳؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۳۹۷)؛  
۲- مصدریه (مظهری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۸۴؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص ۳۹۷)؛ ۳- موصوله و جایزبودن مصدریه (عکبری، بی‌تا، ص ۹۳؛ کریمی حسینی، ۱۳۸۲، ص ۷۳)؛ ۴- مصدریه و جایزبودن موصوله (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۴۶؛ درویش، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۱۵؛ دعاس، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۷۴).  
گرچه در این بین برخی از مفسران نیز به صحیح‌نبودن رسم‌الخط جدای «أَنَّمَا» اشاره داشته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۴۴؛ ابولفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۱۷۵؛ حقی‌بروسوی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۹؛ مظهری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۸۴؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۹۱).

واژه «أَنَّمَا» نیز همانند «إِنَّمَا» در صورتی با رسم‌الخط متصل می‌آید که جمله بعد از خود را محصور کند و در این صورت «ما» در آن کافه است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۳۹؛ ابن‌هشام، ۱۴۳۳، ص ۸۶). «ما» در «أَنَّمَا»ی اولی آیه ۱۷۸ آل عمران



بررسی ترجمه‌های قرآن نیز حاکی از این است که مترجمان در کلمه مدّ نظر به صورت زیر عمل کرده‌اند:

**شعرانی:** و باید که نپندار البتّه آنها که کافر شدند که مهلت دادن ما ایشان را بهتر است.

**معزّی:** و نپندارند آنان که کفر ورزیدند، مهلت دادن ما را بدانان نکویی‌ای برای ایشان.

**آیتی:** کافران مپندارند که در مهلتی که به آنها می‌دهیم خیر آنهاست.

**رضایی:** و کسانی که کفر ورزیدند، هرگز نپندارند که آنچه به آنان مهلت می‌دهیم، برای خودشان نیکوست.

**صفرزاده:** آنان که کافر شدند و عصیان کردند، مبادا تصور کنند که اگر به آنها مهلت می‌دهیم به سود آنهاست [با آن از زندگی لذّت می‌برند].

**صفوی:** و کسانی که کفر ورزیده‌اند، نپندارند که مهلتی که به آنان می‌دهیم، برایشان خیر است.

**فولادوند:** و البتّه نباید کسانی که کافر شده‌اند، تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می‌دهیم، برای آنان نیکوست.

**مکارم:** آنها که کافر شدند (و راه طغیان پیش گرفتند)، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است!

**فیض‌الإسلام:** و (چون منافقین و گروهی از عرب که پس از اسلام آوردن کافر شدند، گمان کردند مانند در دنیا از کشته شدن در راه خدا برای ایشان بهتر است. خدای تعالی درباره نادرستی گمانشان می‌فرماید) کسانی که کافر شدند، نپندارند که ما آنان را مهلت می‌دهیم، برای اینان بهتر است.

(أَنَّمَا تُمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ) موصولی است و باید منفصل نوشته شود. برخلاف ادامه آیه که «ما» کافه است و باید متصل نگاشته شود: (إِنَّمَا تُمَلِي لَهُمْ لِيَزِدُوا إِثْمًا) (کرمی‌حویزی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۱۵۸؛ جواد‌آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۳۹۷). در آیه ۴۱ انفال نیز جمله بعد از «أَنَّمَا» صله است و ارتباطی به حصر ندارد (صالح، ۱۹۹۸، ج ۴، ص ۲۰۳). استفهام موجود در آیه ۱۹ رعد استفهام انکاری است و بنابراین کل آیه تعلیل آیه قبلی است (طباطبائی، ۱۳۷۳، ج ۱۱، ص ۳۴۱). جمله بعد از «أَنَّمَا» در آیه ۵۵ مؤمنون، ۲۷ لقمان و ۴۳ غافر صله است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۲۴۳؛ صافی، ۱۴۱۸، ج ۲۱، ص ۹۲؛ دعاس، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۱۵۸). از این رو هیچ‌یک از جملات پس از «أَنَّمَا» حصری نیستند و اصالتاً این واژه دارای رسم‌الخط جدا از هم است. براین اساس «أَنَّمَا» در پنج آیه پایانی موصوله و در آیه ۱۷۸ آل عمران موصوله یا مصدریه است که در این نمونه نیز موصوله بودن بهتر است. در این بین ذکرشدنی است که از آنجا که «أَنْ» در آیات ۱۷۸ آل عمران، ۴۱ انفال، ۱۹ رعد و ۵۵ مؤمنون در محدوده افعال قلوب بوده، حرف ربط به معنای «که» است (همان، ۱۳۹۱، ص ۲۹) و در دو آیه ۲۷ لقمان و ۴۳ غافر نیز به دلیل اصل وضع آن برای تأکید از جمله ادوات تأکید به معنای «همانا» است؛ بنابراین معنای پیشنهادی در چهار آیه ابتدایی «که آنچه» و در دو آیه پایانی «همانا آنچه» است.

۲-۲-۱- ارزیابی «أَنَّمَا» در ترجمه‌های معاصر قرآن ترجمه‌های فارسی معاصر در معادل‌یابی این واژه چنین بیان داشته‌اند:

الف) «أَنَّمَا» در آیه (وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا تُمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، ترجمه‌ها در این آیه به سه دسته زیر تقسیم می‌شوند:

۱- شعرانی و رضایی به معنای ترکیب به صورت صحیح اذعان داشته‌اند؛ زیرا هر دو «أَنَّ» را حرف ربط و رضایی «ما» را موصوله و شعرانی آن را مصدریه ترجمه کرده‌اند.

۲- آیتی، صفوی، فولادوند و فیض‌الإسلام نیز تنها به بخشی از ترکیب «أَنَّ»- اشاره داشته‌اند. در این بین معزی نیز با ترجمه «ما» به صورت مصدری و ترجمه‌نکردن «أَنَّ» و صفارزاده با ترجمه معنای «ما» به صورت شرطی و «أَنَّ» به صورت صحیح در این دسته قرار می‌گیرند.

۳- برخی نیز مانند مکارم با شرطی ترجمه کردن «أَنَّمَا» معادلی کاملاً اشتباه ارائه داده‌اند.

ترجمه پیشنهادی مناسب از آیه فوق عبارت است از:

کسانی که کافر شدند، تصور نکنند که آنچه ما به آنها مهلت می‌دهیم، به سودشان است.

(ب) «أَنَّمَا» در آیه (وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ)

مترجمان در ترجمه این واژه چنین عمل کرده‌اند:

شعرانی: و بدانید که آنچه غنیمت گرفتید از چیزی.

معزی: و بدانید که آنچه در جنگ به دست آوردید.

آیتی: بدانید که هرگاه چیزی به غنیمت گرفتید.

رضایی: و بدانید که هرچیزی از غنیمت به دست آوردید.

صفارزاده: و [ای مسلمانان] بدانید، هر غنیمتی که در جنگ به دست آورده‌اید.

صفوی: و بدانید که هر فایده‌ای به دست می‌آورد.

فولادوند: و بدانید که هرچیزی را به غنیمت گرفتید.

مکارم: بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید.

فیض‌الإسلام: و (پس از امر به پیکار با کفار اکنون حکم غنیمت و اموال و دارائی‌های به دست آمده در جنگ را بیان می‌کند. می‌فرماید: ای مسلمانان) بدانید آنچه را که (در جنگ از کفار) غنیمت گرفته و به دست آوردید، اندک باشد یا بسیار. درهرحال مترجمان در ترجمه «أَنَّمَا» به دو صورت عمل کرده‌اند:

۱- بعضی مانند «شعرانی، معزی، رضایی، صفارزاده، صفوی و فولادوند» معادلی صحیح ارائه داده‌اند.

۲- برخی نیز مانند «آیتی» با ترجمه صحیح از «أَنَّ» به صورت ربط و ترجمه زمانی «ما»ی موصول و «فیض‌الإسلام» با معادل صحیح از «ما» و ترجمه‌نکردن «أَنَّ» ناقص هستند.

بر پایه تحلیل ذکرشده، ترجمه پیشنهادی عبارت است از:

و بدانید که آنچه به غنیمت گرفتید ...

(ج) «أَنَّمَا» در آیه (أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ)

حاصل ترجمه‌های فارسی معاصر از ترجمه واژه «أَنَّمَا» عبارت است از:

شعرانی: آیا پس آنکه بداند که آنچه فرو فرستاده شد، به تو از پروردگارت حق است.

معزی: آیا آنکه می‌داند که آنچه فرستاده شده است، به تو از پروردگارت حق است.

نزد مخاطب ثقیل و نارسا است؛ بنابراین در ساختار زبان فارسی پذیرفته نیست.

در هر حال برای آیه فوق ترجمه زیر پیشنهاد می شود:

آیا کسی می داند که آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، حق است؟

(د) «أَنَّمَا» در آیه (أُيْحَسِبُونَ أَنَّمَا نُنَادُهُمْ بِهِ مِن مَّالٍ وَبَيْنٍ)

ترجمه های فارسی معاصر از «أَنَّمَا» در آیه فوق به صورت زیر است:

**شعرانی:** آیا می پندارند که آنچه مدد می کنیم، ایشان را به آن از مال و پسران.

**معزی:** آیا پندارند که آنچه کمک دهیمشان بدان از مال و فرزندان.

**آیتی:** آیا می پندارند که آن مال و فرزند که ارزانی شان می داریم.

**رضایی:** آیا می پندارند آنچه از مال و پسران که آنان را بدان امداد می رسانیم.

**صفارزاده:** آیا آنها می پندارند که آنچه از مال و اولاد به آنها بخشیده ایم.

**صفوی:** آیا این کفرپیشگان مرفه می پندارند، این مال و اولادی که به آنان می دهیم و به آنان مدد می رسانیم.

**فولادوند:** آیا می پندارند که آنچه از مال و پسران که بدیشان مدد می دهیم.

**مکارم:** آنها گمان می کنند، اموال و فرزندان که برای کمک به آنان می دهیم ...

**فیض الإسلام:** و (چون کفار به بسیاری مال و دارایی و فرزندان بر مؤمنان فخر و سرفرازی

**آیتی:** آیا کسی که می داند آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، حق است.

**رضایی:** و آیا کسی که می داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو فرود آمده، حق است.

**صفارزاده:** آیا کسی که می داند آنچه از آفریدگار پروردگارت بر تو [ای پیامبر] نازل شده حق است. همانند کسی است که کوردل است و حق را نمی پذیرد! تنها اهل هم و خرد متذکر حقایق الهی هستند و پند می گیرند.

**صفوی:** آیا کسی که بیناست و می داند آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، حق است.

**فولادوند:** پس آیا کسی که می داند آنچه از جانب پروردگارت به تو نازل شده، حقیقت دارد.

**مکارم:** آیا کسی که می داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، حق است.

**فیض الإسلام:** (پس از آن فرق و جدایی میان مؤمن و کافر را بیان می کند و می فرماید: ای محمد آیا کسی که (به خدا و رسول گرویده و) می داند آنچه (قرآن کریم و احکام دین مقدس اسلام که) از جانب پروردگارت به تو فرستاده شده، حق و راست و درست است.

در این نمونه نیز هرچند دو ترجمه تحت اللفظی «شعرانی و معزی» معادلی مناسب و صحیح اظهار داشته اند؛ اما باقی ترجمه ها تنها به معنای «ما» اشاره و در ذکر معنای «أَنْ» اهمال کرده اند. ضمن آنکه هرچند دو ساختار «آیا کسی می داند که آنچه» و «آیا کسی می داند آنچه» برای آیه (أُفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا...)) در زبان فارسی گویا و مقبول است؛ اما در عبارت «آیا کسی که می داند آنچه» به دلیل وجود «که» پس از «کسی» در

می‌کردند و گمان می‌کردند داشتن اینکه نعمت‌ها دلیل بر درستی دین و آئین ایشان است. خدای تعالی درباره بطلان و نادرستی گمانشان می‌فرماید: آیا کفار گمان می‌کنند آنچه را ما به آنان از مال و دارایی و پسران کمک می‌کنیم (می‌دهیم).

در بررسی این ترجمه‌ها همان‌طور که مشهود است، ترجمه «شعرانی، معزی، صفارزاده و فولادوند» بدون نقص هستند؛ اما «آیتی، صفوی و مکارم» با ترجمه صحیح از «آن» و معادل‌یابی نکردن «ما» و «رضایی و فیض‌الإسلام» با ترجمه‌نکردن «آن» و اظهار معادل صحیح «ما» به صورت ناقص عمل کرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی مناسب از آیه فوق عبارت است از:

آیا می‌پندارند که آنچه از مال و فرزندان به آنها کمک کرده‌ایم ...

ه) «أَنَّمَا» در آیه (وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ)

ترجمه‌های فارسی معاصر کلمه «أَنَّمَا» در این آیه را به صورت زیر در ترجمه خود بازتاب داده‌اند:

**شعرانی:** و اگر آنکه باشد، آنچه در زمین است از درخت قلم‌ها.

**معزی:** و اگر باشد آنچه در زمین است از درخت قلم‌هایی.

**آیتی:** و اگر همه درختان روی زمین قلم شوند. **رضایی:** و اگر (بفرض) آنچه از درخت [آن] در زمین است، قلم‌ها شود.

**صفارزاده:** اگر درختان زمین همه قلم شوند. **صفوی:** و اگر هر درختی که در پهنه زمین است، قلم باشد.

**فولادوند:** و اگر آنچه درخت در زمین است، قلم باشد.

**مکارم:** و اگر همه درختان روی زمین قلم شود. **فیض‌الإسلام:** و (پس از بیان مالکیت او برای آنچه در عالم علوی و سفلی است، یادآورد شده که برای او مخلوقات و آفریده‌شده‌ای است که نهایت و پایانی برای آنها نیست. می‌فرماید: اگر آنچه درخت در زمین است قلم‌ها.

قبل از بررسی ترجمه‌های فوق باید گفت، هرچند اصل وضع «آن» در این نمونه برای تأکید است؛ اما از آنجاکه باید بعد از «لو» فعل واقع شود؛ بنابراین بر سر «ما» آمده است که در ساختار دستوری زبان فارسی نیازی به ترجمه آن نیست. از این رو «معزی، آیتی، رضایی، صفارزاده، فولادوند، مکارم و فیض-الإسلام» به صورت صحیح به معنای ترکیب «آن» + «ما» اشاره داشته‌اند. حال آنکه صفوی و شعرانی با ترجمه ربطی از «آن» معادل نادرستی را اظهار داشته‌اند. گفتنی است که صفوی با ترجمه‌نکردن «ما» نسبت به ترجمه شعرانی از ضعف بیشتری برخوردار است.

از این رو برای آیه فوق ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود:

و اگر [به فرض] آنچه درخت در زمین است، قلم شود....

ی) «أَنَّمَا» در آیه (لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ)

بررسی ترجمه‌های قرآن نیز حاکی از این است که مترجمان در کلمه ملنظر به صورت زیر عمل کرده‌اند:

شعرانی و صفوی معادلی اشتباه و باقی مترجمان با ترجمه نکردن از ضعف برخوردار هستند.

در حال برای آیه فوق ترجمه زیر پیشنهاد می شود:

همانا آنچه مرا به آن دعوت می کنید، حقاً نه در دنیا و نه در آخرت دعوتی ندارد.

### ۲-۳- «كَلَّما» در تفاسیر

این واژه در دو آیه (كَلَّما رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا) (نساء: ۹۱) و (كَلَّما جاءَ أُمَّةٌ رَسُولُها كَذَّبُوه) (مؤمنون: ۴۴) با قاعده (كَلَّ + ماى موصول) نگاه شده است. در حالی که مفسران با ردّ موصوله بودن «ما» به ظرف زمان بودن آن رأی داده اند (رازی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۵۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۴۸؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ص ۱۹۸ و ۷۷۵؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۳، ص ۸۸؛ ج ۶، ص ۲۱۷؛ فیضی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۰؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۳۷؛ ج ۹، ص ۱۳۹؛ صافی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۱۲۹؛ ج ۱۸، ص ۱۸۲؛ دعاس، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۱۴؛ ج ۲، ص ۳۳۱؛ درویش، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۹۲؛ ج ۶، ص ۵۱۸). در واقع «كَلَّما» ترکیبی است که از ظرف (زمان) نیابت می کند و گاهی نیز از ادوات شبیه به شرط به شمار می رود (انطاکى، ۱۴۳۲، ص ۲۵۶). «كَلَّما»ی ظرفی زمانی در جمله وارد می شود که اولاً پس از آن دو جمله بیاید، به گونه ای که جمله اول سبب تحقق جمله دوم بوده و در جمله اول ضمیری که به «ما» در «كَلَّما» عودت کند، وجود نداشته باشد. ثانیاً از آنجا که «كَلَّما»ی ظرفیه در نقش مفعول فیه و منصوب است، طبیعتاً عامل نصب آن فعلی است که در جمله دوم آورده شود. ثالثاً از شروط دیگر آن ماضی بودن دو فعل پس از آن است (بدیع یعقوب، بی تا، ص ۵۵۲؛ صفایی

شعرانی: ناچار است که آنچه را می خوانید، مرا به سوی آن نیست مر او را خواندنی در دنیا و نه در آخرت.

معزّی: ناگزیر آنچه مرا به سوی خوانید، نیستش دعوتی در دنیا و نه در آخرت.

آیتی: بی شک آنچه شما مرا به آن دعوت می کنید، یارای آنش نیست که در دنیا و آخرت کسی را به خود خواند.

رضایی: قطعاً آنچه مرا به آن می خوانید، هیچ فراخوانی در دنیا و آخرت ندارد.

صفارزاده: و مسلماً آن چیزی که مرا به پرستش آن می خوانید، قدرت اجابت دعا ندارد، نه در اینکه جهان و نه در جهان دیگر.

صفوی: بی تردید معبودی که مرا به [پرستش] آن فرا می خوانید و آن را شریک خدا می پندارید، نه در دنیا دعوتی دارد؛ زیرا پیامبری نفرستاده است که مردم را به پرستش خود ترغیب کند و نه در آخرت او را دعوتی است؛ زیرا کسی به او باز نمی گردد.

فولادوند: آنچه مرا به آن دعوت می کنید، به ناچار نه در دنیا و نه در آخرت [درخور] خواندن نیست.

مکارم: قطعاً آنچه مرا به آن می خوانید، نه دعوت (و حاکمیتی) در دنیا دارد و نه در آخرت.

فیض الإسلام: محققاً آنچه شما مرا به (عبادت و پرستش) او می خوانید، برای او در دنیا و آخرت دعوت و خواندنی نیست (اعتقاد و باور بر الوهیت او در دنیا و آخرت باطل و نادرست است).

در این نمونه نیز کاملاً مشهود است که به جز صفوی باقی مترجمان معادلی صحیح از «ما» ارائه داده اند؛ حال آنکه در ترجمه حرف تأکید «أنّ»

**صفا رزاده:** هرگاه کفر و شرک و فتنه‌گری زمینه پیدا کند، [دوباره] خود را در آن ورطه‌ها فعال کنند.

**فولادوند:** هر بار که به فتنه بازگردانده شوند، سر در آن فرو می‌برند.

**مکارم:** هر زمان آنان را به فتنه (و بت‌پرستی) بازگردانند، با سر در آن فرو می‌روند!

**فیض‌الاسلام:** هرگاه ایشان به فتنه و تباهکاری (به شرک و کفر) رو آورده در آن باز گردند.

ارزیابی ترجمه‌های ذکرشده حاکی از آن است که همگی ترجمه‌ها معنای مناسبی را اظهار داشته‌اند.

بر پایه تحلیل ذکرشده ترجمه پیشنهادی عبارت است از:

هرگاه به فتنه بازگردانده شوند، به آن روی آوردند.

ب) «كُلَّمَا» در آیه (كُلَّمَا جَاءَ أُمَّةٌ رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ) برگردان‌های فارسی معاصر از واژه «کل‌ما» به شرح ذیل است:

**شعرانی:** هرگاه آمد امتی را رسولشان تکذیب کردند.

**معزی:** هرگاه می‌آمد ملتی را فرستاده‌اش تکذیبش می‌کردند.

**آیتی:** هر بار که پیامبری بر ملتی آمد، تکذیبش کردند.

**رضایی:** هرگاه برای (راهنمایی) امتی فرستاده‌اش می‌آمد، او را تکذیب می‌کردند.

**صفوی:** هرگاه برای راهنمایی امتی پیامبر آنان آمد، او را دروغ‌گو شمردند.

بوشهری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۶۴). واضح است که پس از «كُلَّمَا» در دو آیه ذکرشده نه تنها دو فعل آورده شده است؛ بلکه با معنای زمان سازگاری دارد.

براین اساس علامه جوادی‌آملی نیز شکل نوشتاری و رسم‌الخط «كُلَّمَا» در دو آیه فوق را متصل و ظرفیه به صورت «كُلَّمَا» می‌داند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۱۲۷)؛ بنابراین هرچند معانی «هر بار»، «هر وقت» و «هر زمان» معادل‌هایی مناسب برای این واژه هستند (رک: بستانی، ۱۳۷۵، ص ۷۳۳؛ قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۱۳۸)؛ اما معنای «هرگاه» با توجه به فارسی و به‌روز بودن فصیح‌تر است.

**۲-۳-۱- ارزیابی «كُلَّمَا» در ترجمه‌های معاصر قرآن**

مترجمان معنای این واژه را به صورت زیر بیان داشته‌اند:

الف) «كُلَّمَا» در آیه (كُلَّمَا رُزُوا إِلَىٰ أَلْفِنتَةٍ أَرْسِلُوا فِيهَا)

رویکرد مترجمان در برگرداندن این واژه به زبان فارسی معنای زیر است:

**شعرانی:** هرگاه خوانده شوند، به فتنه برگردانیده شوند در آن.

**معزی:** هرگاه خوانده شوند به آشوبی بیفتند در آن پس اگر دور نشدند از شما.

**آیتی:** اینان هرگاه که به کفر دعوت شوند، بدان بازگردند.

**رضایی:** (ولی) هرگاه به فتنه (و بت‌پرستی) بازگردانده شوند، در آن سرنگون می‌شوند.

**صفوی:** چون هرگاه بر ضد شما به فتنه و آشوبی بازگردانده شدند، به آن روی آوردند.

کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۳۲۶؛ عکبری، بی تا، ص ۴۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۱۴؛ درویش، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۱۱؛ حسینی شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۸۴؛ ج ۸، ص ۱۷۴؛ صافی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۰۲؛ ج ۴، ص ۲۷۷؛ ج ۱۶، ص ۲۹۳؛ ج ۲۸، ص ۱۷۲؛ فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۹۲؛ دعاس، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۶۳؛ ج ۱، ص ۱۵۵؛ ج ۲، ص ۲۴۱؛ ج ۳، ص ۳۰۷؛ ج ۳، ص ۳۱۸).

«أینما»ی منفصل در صورتی متصل و به شکل «أینما» نوشته می‌شود که معنای زمان دارد و دو فعل پس از خود را مجزوم کند (شرتونی، ۱۳۹۲، ص ۲۳). البته دو فعل پس از آن باید یا هر دو مضارع و یا هر دو ماضی و یا فعل اولی ماضی و دومی مضارع باشد تا جزم صورت گیرد (شرتونی، ۱۳۹۲، ص ۲۵). در پنج آیه ذکرشده واژه «أینما» معنای زمان داشته و دو فعل پس از آن آمده که هر دو مجزوم شده‌اند. برای نمونه در آیه ۱۴۸ سوره بقره دو فعل «تَكُونُوا - يَأْتِ» بعد از «أینما» آمده‌اند که مجزوم هم هستند (دعاس، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۶۳).

واقعیت این است که براساس ویژگی‌های زبان فارسی «أینما» چه متصل و چه منفصل نوشته شود، تفاوت معنایی خاصی را در ترجمه به فارسی به وجود نمی‌آورد. در حال با توجه به ادله ذکرشده باید معنای ظرف زمان برای «أینما» در پنج آیه نامبرده در نظر داشت؛ بنابراین ترجمه پیشنهادی به صورت «هر جا و هر کجا» است (رک: بستانی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۹؛ قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۵۳). گفتنی است که این دو معنا با یکدیگر فرقی نمی‌کنند و هر دو در زبان فارسی کاربرد دارند.

**صفارزاده:** و هر پیامبری که از میان قومش مبعوث می‌شد، تکذیب می‌شد.

**فولادوند:** هربار برای [هدایت] امتی پیامبرش آمد، او را تکذیب کردند.

**مکارم:** هر زمان رسولی برای (هدایت) قومی می‌آمد، او را تکذیب می‌کردند.

**فیض الإسلام:** هرگاه گروهی را پیغمبرشان آمد او را تکذیب کرده و دروغ دانستند.

در بررسی این نمونه نیز تأمل برانگیز است که هرچند «صفارزاده» به معنای واژه اشاره‌ای نداشته است؛ اما باقی ترجمه‌ها این واژه را به صورت صحیح در ترجمه خود بازتاب داده‌اند.

ترجمه پیشنهادی مناسب از آیه فوق عبارت است از:

هرگاه پیامبری برای هدایت امتی آمد، او را دروغ‌گو شمردند.

## ۲-۴- «أینما» در تفاسیر

این حرف در پنج آیه (أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا) (بقره: ۱۴۸)، (ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ أَيْنَمَا مَا تَقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ) (آل عمران: ۱۱۲)، (وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ) (مریم: ۳۱)، (وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ) (حدید: ۴) و (وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ) (مجادله: ۷) با رسم الخط منفصل نوشته شده که دلالت بر (أینما + ما ی موصول) دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۲۲). در حالی که حاصل بررسی واژه «أینما» در آیات ذکرشده این نتیجه را در پی دارد که ظرف زمان است و باید به شکل متصل نوشته می‌شد (ابولفتح‌رازی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۱۸؛ ج ۵، ص ۱۷؛ ج ۹، ص ۱۶۸؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ص ۶۶۷ و ۱۲۱۷ و ۱۲۲۸؛

## ۲-۴-۱- ارزیابی «آین‌ما» در ترجمه‌های معاصر

قرآن ترجمه این واژه در آیات فوق به صورت زیر است:

الف) «آین‌ما» در آیه (أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا)

ترجمه‌های فارسی معاصر در آیه فوق حاکی از این است که «آین‌ما» در آنها به صورت زیر است:

شعرانی: هر جا که باشید، می‌آورد شما را خدا همه را.

معزی: هر جا باشید، بیارد شما را همگی خدا.

آیتی: هر جا که باشید، خدا شما را حاضر می‌آورد.

رضایی: هر کجا که باشید، خدا همه شما را خواهد آورد.

صفوی: هر جا که باشید، خدا همه شما را در صحنه قیامت می‌آورد.

صفارزاده: هر جا باشید، خداوند شما را [در روز رستاخیز] به خود گرد هم می‌آورد.

فولادوند: هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [به خود باز] می‌آورد.

مکارم: هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز) حاضر می‌کند.

فیض‌الاسلام: هر جا باشید (بمیرید)، خدا (روز قیامت برای پاداش و کیفر اعمالتان) همه شما (مؤمن و کافر) را (در یک جا گرد) می‌آورد.

مطالعه ترجمه‌های فوق حاکی از این است، همه ترجمه‌ها معنای صحیحی ارائه داده‌اند.

بر پایه تحلیل ذکرشده، ترجمه پیشنهادی عبارت است از:

هر کجا باشید، خدا همه شما را می‌آورد.

ب) «آین‌ما» در آیه (ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا تُقْفُوا إِلَّا بِجَبَلٍ مِّنَ اللَّهِ)

برگردان‌های فارسی معاصر از واژه «آین‌ما» به شرح ذیل است:

شعرانی: زده شد بر ایشان خواری هر کجا یافته شوند، مگر به زنهاری از خدا ...

معزی: زده شد بر ایشان خواری هر کجا یافت شوند، مگر با رشته‌ای از خدا ....

آیتی: هر جا که باشند، مهر خواری بر آنها زده شده است، مگر آنکه در امان خدا و در امان مردم باشند.

رضایی: (آن یهودیان) هر کجا یافت شوند، (نشانه) خواری بر آنان خورده است، مگر به ریسمان خدا.

صفوی: هر کجا یافت شوند و تسلطی بر آنان حاصل آید، باید مهر خواری بر آنان نهاده شود، مگر آنکه به رشته‌ای از جانب خدا تمسک جویند ...

صفارزاده: هر کجا دیده شوند، مهر خواری بر پیشانی آنها زده شده است، مگر به خداوند متوسل شوند.

فولادوند: هر کجا یافته شوند، به خواری دچار شده‌اند- مگر آنکه به پناه امان خدا و زینهار مردم [روند]-

مکارم: هر جا یافت شوند، مهر ذلت بر آنان خورده است، مگر با ارتباط به خدا ...

فیض‌الاسلام: ذلت و خواری برایشان لازم شد (واجب شد که جزیه و باج دهند)، هر جا که



همان‌طور که در این نمونه نیز روشن است، تمامی مترجمان معادلی صحیح را ارائه داده‌اند.

از این رو برای آیه فوق ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود:

و هرکجا باشم [خدا]، مرا با برکت قرار داده است...

د) «أَيْنَ مَا» در آیه (وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ) حاصل بررسی و تحلیل ترجمه‌های فارسی معاصر از واژه فوق به شرح ذیل است:

شعرانی: و اوست با شما هر جا باشید.  
معزی: و او با شما است، هر جا باشید.  
آیتی: و هر جا که باشید، همراه شماست.  
رضایی: و هر جا باشید، او با شماست.  
صفوی: و هرکجا باشید، او با شماست.  
صفارزاده: و او همه جا با شماست، هرکجا که باشید.

فولادوند: و هرکجا باشید، او با شماست.  
مکارم: و هر جا باشید، او با شما است.  
فیض‌الاسلام: و هرکجا باشید، او با شما است.  
ارزیابی ترجمه‌ها حاکی از مشهود بودن صحت تمامی ترجمه‌ها است.

از این رو برای آیه فوق ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود:

و هرکجا باشید، او با شما است.  
ه) «أَيْنَ مَا» در آیه (وَلَا أُذْنِي مِنَ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا)

ترجمه‌های فارسی معاصر در آیه فوق حاکی از این است که «أَنْمَا» در آنها به صورت زیر است:  
شعرانی: و نه کمتر از آن و نه بیشتر جز اوست، با ایشان هر جا باشند.

یافت شوند، مگر آنکه دست بیاویزند به ریسمان (دین و آئین) خدا...

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تمامی مترجمان معنای مناسبی را ارائه داده‌اند.  
بنابراین برای آیه فوق ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود:

هرکجا دیده شوند، مگر خواری بر [پیشانی] آنها زده شده است، مگر آنکه به رشته‌ای از [جانب] خدا تمسک جویند ...

ج) «أَيْنَ مَا» در آیه (وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ) ترجمه‌های فارسی معاصر کلمه «أَيْنَ مَا» در این آیه را به صورت زیر در ترجمه خود بازتاب داده‌اند:  
شعرانی: و گردانیده مرا با برکت هر جا باشم.  
معزی: و گردانید مرا فرخنده هرکجا باشم.  
آیتی: و هر جا که باشم، مرا برکت داده است.  
رضایی: و هر جا که باشم، مرا خجسته قرار داده است.

صفوی: و مرا هر جا که باشم، مایه برکت قرار داده است.  
صفارزاده: و وجود مرا مبارک اراده فرموده است، در هرکجا که باشم.  
فولادوند: و هر جا که باشم، مرا با برکت ساخته است.

مکارم: و مرا - هر جا که باشم - وجودی پربرکت قرار داده است.

فیض‌الاسلام: و مرا در هر جا (دریا، خشکی، کوه و دشت) باشم، با برکت و نفع و سود بسیار (معلم و آموزنده دین و آئین خود به مردم) قرار داده است.

**معزّی:** و نه کمتر از این و نه بیشتر جز آنکه او است، با ایشان هر جا باشند.

**آیتی:** و نه کمتر از این - هر جا که باشند - و نه بیشتر از این مگر آنکه خدا با آنهاست.

**رضایی:** و نه کمتر از آن و نه بیشتر (از آن است)، مگر آنکه او همراه آنان است، هر کجا که باشند.

**صفوی:** و نه کمتر از این تعداد و نه بیشتر از آن، مگر اینکه هر کجا باشند، او با آنها ... است.

**صفارزاده:** و هر تعدادی باشند کمتر و بیشتر خداوند با آنهاست، هر جا که باشند.

**فولادوند:** و نه کمتر از این [عدد] و نه بیشتر، مگر اینکه هر کجا باشند، او با آنهاست.

**مکارم:** و نه تعدادی کمتر و نه بیشتر از آن مگر اینکه او همراه آنهاست، هر جا که باشند.

**فیض‌الاسلام:** و نیست کمتر و نه بیشتر از آن سه و پنج جز آنکه او با اینان است، هر کجا باشند.

بررسی ترجمه‌های ذکر شده نیز نشان‌دهنده صحت همگی است.

ترجمه پیشنهادی مناسب از آیه فوق عبارت است از:

و نه کمتر از آن و نه بیشتر [از آن است]، مگر آنکه او همراه آنان است، هر کجا باشند.

#### نتیجه

حاصل پژوهش حاضر برای دستیابی به ترجمه صحیح از چهار حرف «إِنَّمَا، أَنَّمَا، كُلَّمَا و أَيْنَمَا» با دو رسم الخط «إِنَّمَا (≠ إِنْ مَا)؛ أَنَّمَا (≠ أَنْ مَا)؛ كُلَّمَا (≠ كَلَّمَا) و أَيْنَمَا (≠ أَيْنَمَا)»، این شد که:

۱- شکل صحیح نوشتاری «إِنَّمَا» در آیات ۹۵ نحل، ۶۹ طه، ۸ ذاریات و ۷ مرسلات به صورت منفصل و به معنای «همانا آنچه» است. مطالعه ترجمه‌های قرآن نیز حاکی از آن است که هر چند برخی همچون رضایی با توجه کامل به ترکیب جدای «إِنَّ» تأکید و «ما»ی موصول به معنای صحیح واژه در تمامی نمونه‌ها اشاره داشته است؛ اما همین ترکیب جدا در برخی ترجمه‌ها و در بعضی از آیات یا با ترجمه‌نکردن یا با ترجمه حصری و یا تعلیلی روبرو بوده است.

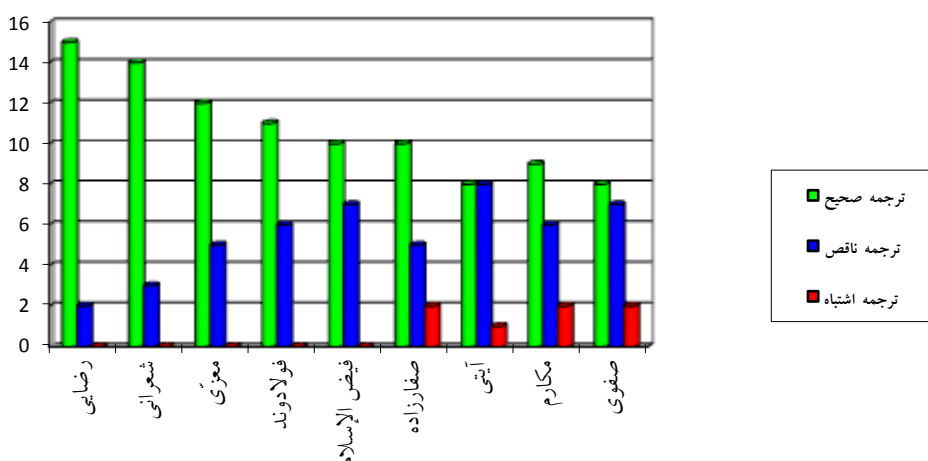
گفتنی است برخی از مترجمان نیز گاهی این واژه را ناقص معادل‌یابی کرده‌اند؛ چراکه حرف تأکید «إِنَّ» را با ترجمه‌نکردن و یا ترجمه تعلیلی، ربطی و حصری و «ما»ی موصول را با ترجمه‌نکردن منعکس کرده‌اند.

۲- رسم الخط صحیح «أَنَّمَا» در آیات ۱۷۸ آل عمران، ۴۱ انفال، ۱۹ رعد، ۵۵ مؤمنون، ۲۷ لقمان و ۴۳ غافر) به صورت «أَنْ + ما» و به معنای «که آنچه» در چهار آیه نخست و «همانا آنچه» در دو آیه پایانی است. در این مواضع نیز هر چند مترجمان در پاره‌ای از مواقع به ترجمه صحیح واژه اشاره داشته‌اند؛ اما در پاره‌ای نیز به صورت صحیح معنای واژه را انعکاس نداده‌اند؛ زیرا گاهی با ترجمه شرطی یا حصری از «أَنْ ما» پاره‌ای از اوقات با ترجمه‌نکردن یا ارائه معادل اشتباه از «أَنْ» و گاهی نیز با ترجمه‌نکردن «ما» و یا اظهار معنای زمانی از این حرف به معادل‌یابی واژه اهتمام کرده‌اند. گفتنی است دقیق‌ترین ترجمه در این نمونه متعلق به ترجمه «رضایی و شعرانی» است.

۳- رسم الخط صحیح واژه «كَلَّمَا» در آیات ۹۱ نساء و ۴۴ مؤمنون متصل و به صورت «كَلَّمَا» ظرفیه با

همگی مترجمان در تمامی نمونه‌ها به معنای صحیح واژه اشاره کرده‌اند.

در هر حال نمودار آماری زیر بررسی عملکرد هریک از مترجمان را در ۱۷ نمونه بررسی شده، نشان می‌دهد:



ما رسم فی القرآن الکریم» نوشتهٔ سامح قلینی، «إعجاز رسم القرآن وتلاوته» نگاشته محمد شملول و در نهایت کتاب «بررسی رسم الخط عثمان طه» از ناصر مکارم شیرازی.

ذکرشده است که در کتاب اخیر به صورت مختصر به گوشه‌هایی از تفاوت‌های رسم الخطی برخی از واژگان همسان قرآن - که سبب برداشت‌های غلط و نادرست معنایی شده - اشاره شده است.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۱ش)، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران: نشر نی.

معنای «هر زمان» است؛ معادلی که همگی مترجمان به‌جز صفارزاده، آن هم در یک نمونه بدان تصریح کرده‌اند.

۴- رسم الخط اصیل واژه «أینما» در آیات ۱۴۸ بقره، ۱۱۲ آل عمران، ۳۱ مریم، ۴ حدید و ۷ مجادله متصل و به معنای «هر کجا» است. در این نمونه نیز

۱- دربارهٔ روش ترجمه «تحت اللفظی» گفتنی است که هدف از ارزیابی معنای واژه در این روش اظهار صحت این روش ترجمه در زبان فارسی نیست؛ زیرا در غیر این صورت ساختار عربی بر فارسی تحمیل می‌شود، اسلوبی که ساختار زبان فارسی آن را برنمی‌تابد. در واقع هدف از این امر صرفاً توجه به صحت یا ضعف معادل‌یابی واژه است.

۲- رک: «الانتصار» از قاضی ابوبکر باقلانی، «البرهان فی علوم القرآن» نوشته بدرالدین زرکشی، «مناهل العرفان» اثر عبدالعظیم زرقانی، «مباحث فی علوم القرآن» تألیف صبحی صالح، «التمهید فی علوم القرآن» از محمدهادی معرفت.

۳- رک: «عنوان الدلیل من مرسوم خط التنزیل» تألیف ابوالبناء مراکشی، «تاریخ القرآن وغرائب رسمه و حکمه» اثر محمدطاهر کردی، «الجلال والجمال فی

۳. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق عبدالباری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. آیتی، عبدالمحمّد (۱۳۷۴ش)، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات سروش.
۵. ابن جزی غرناطی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق) کتاب التسهیل لعلوم التنزیل، محقق: دکتر عبدالله خالدی، بیروت: شرکت دار الأرقم بن ابی الأرقم.
۶. ابن خلدون (۱۹۵۷م)، المقدمه، مترجم: پروین گنابادی، قاهره: بی‌نا.
۷. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی‌تا)، التحریر و التنویر، بی‌جا: بی‌نا.
۸. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، محقق: محمد جعفر یاحقی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۹. ابوحنیفان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، محقق: محمد جمیل صدقی، بیروت: دار الفکر.
۱۰. ابن هشام انصاری، جمال‌الدین (۱۴۳۳ق)، مغنی الادیب، مصحح: علیرضا رنجبر، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۱۱. انطاکی، محمد (۱۴۳۲ه)، المنهاج فی قواعد و الاعراب، پاکستان: مکتبه البشری.
۱۲. باقلانی، محمد بن طیب (۱۴۲۲ق)، الإنتصار للقرآن، عمان: دار ابن حزم.
۱۳. بدیع یعقوب، امیل (بی‌تا)، موسوعه النحو و الصرف و الاعراب، بی‌جا، بی‌نا.
۱۴. بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵ش)، فرهنگ ابجدی، مترجم: رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی.
۱۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، محقق: محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. پاکتچی، احمد (۱۳۹۴ش)، تأملاتی در مباحث فرهنگ اسلامی، محقق: مرتضی سلمان‌نژاد، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۷. تفکری، حسن (۱۳۸۵ش)، پژوهشی در رسم المصحف، تهران: انتشارات پیام عدالت.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۸۹-۱۳۸۸)، تسنیم، قم: انتشارات اسراء.
۱۹. جوان‌آراسته، حسین (۱۳۷۸ش)، درس‌نامه علوم قرآنی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۲۰. حسینی، علی (۱۳۸۸ش)، ترجمه و شرح مغنی الادیب، قم: انتشارات دارالعلم، چاپ اول.
۲۱. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳ش)، تفسیر اثنا عشری، تهران: انتشارات میقات.
۲۲. حقی‌بروسوی، اسماعیل (بی‌تا)، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.
۲۳. خسروی، علیرضا (۱۳۹۰ق)، تفسیر خسروی، محقق: محمدباقر بهبودی، تهران: انتشارات اسلامی.
۲۴. خمینی، مصطفی (۱۴۱۸ق)، تفسیر القرآن الکریم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۲۵. دانی، عثمان بن سعید (۱۹۷۸م)، *المقنع فی رسم المصاحف الامصار*، محقق: محمدصادق فمحاوی، مصر: بی‌نا.
۲۶. درویش، محیی‌الدین (۱۴۱۵ق)، *اعراب القرآن و بیانه*، سوریه: دارالارشاد.
۲۷. دعاس - حمیدان - قاسم (۱۴۲۵ق)، *اعراب القرآن الکریم*، دمشق: دارالمئیر و دارالفارابی.
۲۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران (۱۳۸۳)، *ترجمه قرآن*، قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
۲۹. روحی‌برندقی، کاووس؛ علی حاجی‌خانی؛ محسن فریادرس (۱۳۹۴ش)، «ارزیابی ترجمه های فارسی معاصر قرآن کریم؛ مشتمل بر ماده حشر»، *مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان عربی*، شماره ۱۲، صص ۱۴۴-۱۱۹.
۳۰. زرقانی، عبدالعظیم (۱۴۱۵ق)، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، تحقیق: فواز احمد زمزلی، بیروت: دارالکتاب العربی.
۳۱. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله (۲۰۰۵م)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالفکر.
۳۲. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، چاپ سوم. بیروت: دارالکتاب العربی.
۳۳. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۱۶ق)، *الایقان فی علوم القرآن*، محقق: سعید المندوب، لبنان: دارالفکر.
۳۴. شرتونی، رشید (۱۳۹۲ش)، *مبادئ العربیه (قسم نحو و جلد چهارم)*، مترجم: محمود خورسندی - حمید مسجد سرایی، قم: انتشارات پیام‌آور نو.
۳۵. شعرانی، ابوالحسن (۱۳۷۴ش) *ترجمه قرآن*، تهران: انتشارات اسلامیة.
۳۶. شملول، محمد (۱۳۹۲ش)، *اعجاز رسم الخط و تلاوت قرآن*، مترجم: عبدالجبار غواصی، شیراز: نشر ایلاف.
۳۷. صافی، محمود بن عبدالرحیم (۱۴۱۸ق)، *الجدول فی اعراب القرآن*، دمشق - بیروت: دارالرشید مؤسسه الإیمان.
۳۸. صالح، بهجت عبدالواحد (۱۹۹۸م)، *الإعراب المفصل لكتاب الله المرتل*، اردن: دارالفکر.
۳۹. صبحی‌صالح، احمد (۱۳۶۸ش)، *مباحث فی علوم القرآن*، قم: شریف‌الرضی.
۴۰. صفارزاده، طاهره (۱۳۸۰ش)، *ترجمه قرآن*، تهران: مؤسسه فرهنگی جهان‌رایانه کوثر.
۴۱. صفایی‌بوشهری (۱۳۷۵ش)، *ترجمه و شرح معنی‌الادیب*، قم: انتشارات قدس.
۴۲. صفوی، محمدرضا (۱۳۸۸ش)، *ترجمه قرآن*، قم: آبنوس.
۴۳. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، حوزه علمیه قم.
۴۴. طبری، ابوجعفر (۱۴۱۲ق)، *جامع‌البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
۴۵. عکبری، عبدالله بن حسین (بی‌تا)، *التبیان فی اعراب القرآن*، عمان - ریاض: بیت الافکار الدولیه.
۴۶. فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق)، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت: دارالطباعه و النشر.
۴۷. فولادوند، محمدمهدی (۱۴۱۵ق)، *ترجمه قرآن*، محقق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر

۵۷. کاشفی سبزواری، حسین بن علی (۱۳۶۹ش)، مواهب علیه، محقق: محمدرضا جلالی نائینی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
۵۸. کبری زاده، طاش (بی‌تا)، مفتاح السعاده و مصباح السیاده، مصر: دارالکتب الحدیثه.
۵۹. کرمی حویزی، محمد (۱۴۰۲ق)، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم: چاپخانه علمیه.
۶۰. کریمی حسینی، عباس (۱۳۸۲ش)، تفسیر علین، قم: انتشارات اسوه.
۶۱. کاویان پور، احمد (۱۳۷۸ش)، ترجمه قرآن، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
۶۲. کردی، محمداطاهر (۱۳۶۵ش)، تاریخ القرآن و غرائب رسمه و حکمه، جده: مطبعه الفتح.
۶۳. مراکشی، ابوالعباس احمد بن البناء (۱۹۹۰م)، عنوان الدلیل فی مرسوم خط التنزیل، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
۶۴. مظهری، محمد ثناءالله (۱۴۱۲ق)، التفسیر المظهری، محقق: غلام نبی تونسلی، پاکستان: مکتبه رشدییه.
۶۵. معرفت، محمدهادی (بی‌تا)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۶۶. معزّی، محمدکاظم (۱۳۷۲ش)، ترجمه قرآن، قم: انتشارات اسوه.
۶۷. مغنیه، محمدجواد (بی‌تا)، التفسیر المبین، قم: بنیاد بعثت.
۶۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳ش)، ترجمه قرآن، قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- مطالعات تاریخ و معارف اسلامی). تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
۴۸. فیض الاسلام، علی‌نقی (۱۳۷۸ش)، ترجمه و تفسیر قرآن عظیم، تهران: انتشارات فقیه.
۴۹. فیضی دکنی، ابوالفضل (۱۴۱۷ق)، سواطع الالهام فی تفسیر القرآن، محقق: مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی، قم: دارالمنار.
۵۰. قاسمی، محمد جمال‌الدین (۱۴۱۸ق)، محاسن التاویل، محقق: محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۱. قدوری‌الحمد، غانم (۱۳۸۶ش)، مقایسه‌ای بین رسم‌الخط مصحف و نقوش عربی قدیمی، مترجم: حسین علیتیان، مجله رشد آموزش قرآن، دوره پنجم، شماره ۱، صص ۳۴-۴۱.
۵۲. قرشی‌بنایی، علی‌اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۵۴. کلینی، سامح (۱۴۲۹ق)، الجلال و الجمال فی ما رسم فی القرآن الکریم، قاهره: بی‌نا.
۵۵. قمی‌مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محقق: حسین درگاهی تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۵۶. کاشانی، ملا فتح‌الله (۱۴۲۳ق)، زیده التفاسیر، محقق: بنیاد معارف اسلامی، قم: بنیاد معارف اسلامی.

۷۱. نحاس، ابوجعفر احمد بن محمد (۱۴۲۱ق)،  
اعراب القرآن، بیروت: منشورات محمد علی  
بیضون، دارالکتب العلمیة.

۶۹. ----- (۱۳۸۸ش)، بررسی  
رسم الخط عثمان طه، قم: انتشارات امام علی  
(ع).

۷۰. میدی، احمد بن ابی سعد رشیدالدین  
(۱۳۷۱ش)، کشف الأسرار و عدۀ الأبرار، محقق:  
علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات امیرکبیر.

